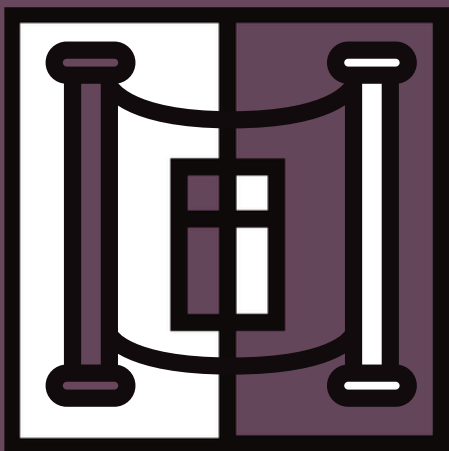


آیا عهد عتیق واقعاً
به عیسی دلالت
دارد؟



دیوید ام. کینگ

سوالات کلیسا

توصیه‌نامه‌ها برای مجموعه «سؤالات کلیسا»

«مسیحیان امروز با پرسش‌های واقعی و بنیادی مواجه‌اند. کتاب مقدس کلیسا را چگونه ساختار می‌بخشد، عبادت را چگونه نظم می‌بخشد، خدمت را چگونه سازمان دهی می‌کند و رهبری کتاب مقدسی را چگونه تعریف می‌کند؟ این پرسش‌ها تنها نمونه‌هایی از سؤالاتی هستند که در این مجموعه جدید از ۹ نشانه، با دقت، وضوح و رویکردی جذاب پاسخ داده شده‌اند. من از خدمت ارزشمند و تأثیر مثبت و امیدبخش آن در تقویت بسیاری از کلیساهای وفادار عمیقاً سپاسگزارم. با اطمینان کامل این مجموعه را به همه علاقه‌مندان به مسائل کلیسایی توصیه می‌کنم.»

آر. آلبرت مولر جونیور، رئیس، مدرسه الهیات بپتیست جنوبی.

«پرسش‌های صادقانه شایسته پاسخ‌هایی متفکرانه هستند. اگر نمی‌دانید از کجا باید شروع کنید، این مجموعه می‌تواند به عنوان سکوی پرش برای یافتن پاسخ‌ها عمل کند. کتابچه‌های این چینی مختصر و دقیق، با بیانی جذاب و هدفمند نگاشته شده‌اند که برای مطالعه فردی یا گروهی بسیار مناسب‌اند.»

گلوریا فورمن، نویسنده کتاب‌های Missional
The Pastor's Wife و Motherhood

«به‌عنوان یک شبان، همواره با پرسش‌های مهمی از سوی افراد مختلف مواجه می‌شوم. افراد غیرمسیحی در جستجوی درک انجیل، ایمانداران تازه‌کار برای یافتن مسیر درست، و ایمانداران بالغ‌تر برای پاسخ‌گویی به سؤالات خانواده، دوستان و همکاران خود به من مراجعه می‌کنند. در این مواقع، داشتن منبعی مختصر و مفید که هم پاسخ‌های کتاب مقدسی ارائه دهد و هم راهنمایی برای مطالعه بیشتر باشد، حیاتی است.

مجموعه «سؤالات کلیسا» به‌طور دقیق این نیاز را برآورده می‌کند. هر کتابچه از این مجموعه، یک سؤال بنیادی را با رویکردی کتاب مقدسی و عملی بررسی می‌کند. این مجموعه می‌تواند علاوه بر «سؤالات کلیسا»، عنوان «پاسخ‌های کلیسا» را نیز داشته باشد. قصد دارم این کتاب‌های کوچک را به تعداد زیاد تهیه و مرتباً توزیع کنم و توصیه می‌کنم شما نیز چنین کنید.»

خوان آر. سانچز، شبان ارشد، کلیسای تعمیدی‌های
پوینت، آستین، تگزاس.

«ما مسیحیان از کجا می‌توانیم پاسخ‌هایی قابل‌اعتماد و دقیق برای پرسش‌های متداول خود درباره زندگی مشترک در کلیسا پیدا کنیم، بدون آنکه نیاز به مطالعه کتاب‌های طولانی و پرهزینه داشته باشیم؟

کتابچه‌های «سؤالات کلیسا» این نیاز را با ارائه پاسخ‌هایی

کتاب مقدسی، عمیق و عملی برطرف می‌کنند. این مجموعه، به‌ویژه برای شبانان، منبعی ارزشمند و قابل‌اعتماد است که به آنها کمک می‌کند تا اعضای کلیسا را به حکمت عمیق‌تر و وحدت قوی‌تر هدایت کنند.»

خوان آر. سانچز، شبان ارشد، کلیسای تعمیدی های پوینت، آستین، تگزاس.

آیا عهد عتیق واقعاً
به عیسی دلالت
دارد؟

سوالات کلیسا

- آیا زنان شایسته خدمت در مقام شبانی هستند؟ ، گرگ گیلبرت.
- آیا مهم است که به چه چیزی ایمان دارم؟ سموئیل جیمز.
- آیا انجیل وعده سلامتی و رفاه را می دهد؟ شان دمارس.
- چگونه می توانم مطمئن شوم که نجات یافته ام؟ جیرمی پیر.
- چگونه می توانم بیشترین بهره را از مطالعه کتاب مقدس ببرم؟ جیرمی کیمبل.
- چگونه می توانم اعضای کلیسا را با دیدگاهای سیاسی متفاوت شان دوست داشته باشم؟ جاناتان لیمن.
- چگونه می توانم به طور مؤثر و شایسته در کلیسای خود خدمت کنم؟ متی عمادی.
- زنان چگونه می توانند در کلیسای محلی رشد کنند؟ کری فالمر.
- آیا خداوند واقعاً دارای حاکمیت مطلق است؟ کنراد امبوه.
- آیا وجود جهنم واقعی است؟ دین اورتلند.
- خادمان کلیسا چه وظایفی دارند؟ خوان سانچز.
- اگر در بشارت دچار دلسردی شوم، چه باید کرد؟ آیزاک آدامز.
- ماموریت کلیسا چیست؟ جاناتان لیمن.
- پس از مسیحی چه باید کرد؟ سم عمادی.
- در کلیسا به دنبال چه چیزی باید باشم؟ آلکس دوک.
- چه کسی مسئول کلیسا است؟ سم عمادی.
- چرا باید تعمید بگیرم؟ بابی جیمیسون.
- چرا کلیسای خود را حمایت مالی کنم؟ جیمی دانلوپ.
- چرا باید به کلیسا بپیوندم؟ مارک دور.

آیا عهد عتیق واقعاً
به عیسی دلالت
دارد؟

دیوید ام. کینگ

آیا عهد عتیق واقعاً به عیسی دلالت دارد؟

نویسنده: دیوید ام. کینگ

© 2024 by 9Marks

ناشر اصلی: Crossway، ویتون، ایلینوی، آمریکا

ترجمه فارسی © ۲۰۲۶ توسط باختر برای انجیل

نقل قول‌های کتاب مقدسی عمدتاً از ترجمه «هزاره نو» اخذ شده است. در برخی موارد، برای حفظ دقت، وضوح، یا تناسب زبانی، از نسخه دري نیز بهره گرفته شده است.

تمامی حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر قابل تکثیر یا انتشار نیست.

شناسه‌ی بین‌المللی کتاب (ISBN)

ISBN (چاپی) : 9-9141-4335-1-978

ISBN (PDF) : 978-1-4335-9142-6

ISBN (ePub) : 978-1-4335-9143-3

شما کتاب مقدّس را می‌کاوید، زیرا
می‌پندارید به واسطهٔ آن حیات جاویدان
دارید، حال آنکه همین کتاب‌ها بر من
شهادت می‌دهند.

یوحنا ۵: ۳۲



«برو و قلابِ آسمانی^۱ را از کامیونت بیاور.» این شیوه‌ای بود که اِدی افراد جدید را با آن محک می‌زد. اِدی پیمانکارِ نقاشی بود. وی من و تنی چند از دوستانم را به خدمت گرفت تا از نیروی کارِ جوان و مستعد بهره‌مند شود. پسرانِ دبیرستانی به مادیات نیاز دارند و من و همراهانم تمایلی به کار در مراکز تجاری نداشتیم. اِدی از آموزش نقاشی ساختمان به ما و هم‌زمان ایجاد فضایی مفرّح لذت می‌برد.

بخشی از آن تفریح، گوش سپردن به او بود، هنگامی که به شخص تازه کار دستور می‌داد تا برود و قلابِ آسمانی را از کامیون بیاورد.

قلابِ آسمانی چیست؟ اکثرِ آنان پاسخی برای آن نداشتند، اما با این حال به سوی کامیون می‌شتافتند، چرا که مشتاق بودند کار خود را به نحو احسن انجام دهند. ما دیگران به کار ادامه

^۱ «قلاب آسمان» اصطلاحی شوخی در محیط کاری است و به ابزاری خیالی اشاره دارد که وجود خارجی ندارد و برای دست انداختن افراد تازه کار به کار رفته است.

می‌دادیم و در این فکر بودیم که چقدر زمان می‌برد تا آن فرد تازه‌وارد متوجه شود که به دنبال نسخه‌ی خاصِ پیمانکارانِ نقاشی از «شکارِ موهومات» فرستاده شده است. زبانِ ابرازِ محبتِ رئیسِ ما، شوخی‌های فریب‌آمیز بود؛ در واقع چیزی به نام قلابِ آسمانی وجود ندارد.

آیا عهد عتیق واقعاً به عیسی مسیح دلالت دارد؟ برخی از مسیحیان در جستجوی مسیح در میان آن سی‌ونه کتابِ نخست کتاب مقدس خود برمی‌آیند و احساسی مشابه آن تازه‌کار بی‌تجربه را دارند که در صندوق عقب کامیون خود می‌گردد و اما چیزی نمی‌یابد. از منظر منطقی، این انتظار موجه است که کتاب مقدس در محوریت عیسی باشد؛ اما نگرانی‌ای پنهان در ذهن آن‌ها وجود دارد که گویی چیزی درست نیست. عهد عتیق انواعی از روایت‌ها، حجم انبوهی از احکام، و کتب کاملی از نبوت را دربر می‌گیرد که همه آن‌ها به نحوی به قوم کهنی موسوم به اسرائیل مربوط می‌شوند. اما عیسی کجاست؟ حتی نامش نیز ذکر نشده است! آیا او جایی پنهان است؟ آیا این یک شوخی است؟ شاید تصور خواندن عهد عتیق در پرتو عیسی، صرفاً نسخه‌ی معنوی همان جستجو برای چیزی باشد که اصلاً وجود ندارد.

شاید شما نیز با چنین افکاری دست‌وپنجه نرم کرده باشید. احتمالاً شبانان یا مربیانِ روحانی‌تان همواره شما را

تشویق می‌کنند که عهد عتیق را با نگاهی معطوف به مسیح مطالعه کنید، اما شما به سادگی در نمی‌یابید که این امر چگونه ممکن است. البته، شما بر این باور نیستید که آن‌ها قصد فریب شما را دارند! با این حال، درک آن‌ها از عیسی در عهد عتیق برای شما عجیب و ناموجه به نظر می‌رسد. هرگاه عهد عتیق را خوانده‌اید، او را در آن نیافته‌اید. یا چیزی را از دست داده‌اید، یا دوستان خیرخواه شما صرفاً چیزی را به عهد عتیق نسبت می‌دهند که در واقع در آن وجود ندارد.

پس کدام دیدگاه درست است؟

هدف این کتاب کوچک کمک به شماست تا دریابید که عهد عتیق حقیقتاً درباره‌ی عیسی است. به‌طور مشخص، می‌خواهم نشان دهم که این ایده از کجا سرچشمه می‌گیرد، چه معنایی باید (و نباید) از آن برداشت کرد، و چرا این موضوع برای شما به‌عنوان یک مسیحی اهمیت دارد. هیچ ابزار خیالی در کار نیست، پس امیدوارم با حسن‌نیت همراه من باشید.

آیا عهد عتیق واقعاً به عیسی دلالت دارد؟

عیسی خود بر این باور بود!

آیا عهد عتیق واقعاً به عیسی اشاره دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، باید از یک متخصص بپرسیم. برجسته‌ترین مرجع در تفسیر کتاب مقدس کیست؟ نه آن شخص عزیزی که نخستین بار انجیل را با شما در میان گذاشت، هرچند که از دانش و

و آگاهی بهره‌مند باشد. حتی شبان شما نیز، با تمام حکمت و تجربه‌ای که دارد. حتی مفسر کتاب مقدس که تمام دوران حرفه‌ای‌اش را وقف مطالعه کتاب مقدس کرده هم نیست. همه این افراد در شکل‌گیری ایمان ما نقشی ارزشمند دارند و باید تا آنجا که ممکن است از آن‌ها بیاموزیم. اما برترین مرجع در همه امور روحانی از جمله پرسش ما درباره عهد عتیق خود عیسی مسیح است.

به اعتبارنامه‌های عیسی بنگرید. او پسر محبوب خداست، نجات‌دهنده که مصلوب شد و قیام کرد، و خداوند آسمان و زمین. فرض بر این است که چون این رساله را می‌خوانید، عیسی را به این شکل می‌شناسید. از گناهان خود توبه کرده‌اید و برای نجات به او ایمان آورده‌اید؛ او را به‌عنوان گرانباترین چیز در زندگی‌تان شناخته‌اید. اگر عیسی را به این شکل نمی‌شناسید و صرفاً از روی کنجکاوی این رساله را می‌خوانید، امیدوارم آنچه در اینجا می‌خوانید به شما کمک کند تا با وضوح بیشتری بفهمید که عیسی کیست و چه کرد و امیدوارم به او اعتماد کنید و نجات یابید. او به‌عنوان خداوند همه چیز، شایسته ایمان شماست.

او که خداوند همه چیز است، همان متخصص کتاب مقدسی است که در جستجویش بودیم! عیسی والاترین مرجع در تفسیر کتاب مقدس است. پس اگر می‌توانستیم از او بپرسیم که درباره عهد عتیق چه در سر دارد، پاسخ پرسش‌مان را از دهان خود حقیقت می‌شنیدیم.

خوشبختانه، اگر اناجیل - متی، مرقس، لوقا و یوحنا را مطالعه کنید، دقیقاً درخواهید یافت که عیسی دربارهٔ عهدِ عتیق چگونه می‌اندیشید. او آن را به‌عنوان کلامِ معتبرِ خدا ارج می‌نهاد در کودکی آن را مطالعه کرد (لوقا ۲: ۴۶)؛ هر هفته در کنیسه حاضر می‌شد که در آنجا کلام خوانده و تفسیر می‌شد (لوقا ۴: ۱۶)؛ تسلط او بر کتاب مقدس به او لقب «رَبّی» داد (یوحنا ۱: ۳۸)؛ آن را با اقتداری فراتر از کاتبان اسرائیل تعلیم داد (متی ۷: ۲۹)؛ و بر این اصل پافشاری کرد که کتاب مقدس ابطال‌ناپذیر است (یوحنا ۱۰: ۳۵)؛ و در سراسر خدمتش، حتی در لحظاتی که در حین مصلوب شدن برای نفس کشیدن دست و پنجه نرم می‌کرد، پیوسته به کلام مقدس خداوند اشاره می‌کرد (مرقس ۱۵: ۳۴). عیسی برای کلام خدا اعتباری مطلق و اقتدار قائل بود.

اما این مشاهدات صرفاً به‌گونه‌ای کلی به نگرش عیسی نسبت به کتاب مقدس اشاره دارد. اگر بناست پاسخ دقیق‌ترِ خود را از این پرسش بیابیم، باید اندکی ژرف‌تر تأمل کنیم: آیا عیسی خود را در عهدِ قدیم می‌دید؟ آیا او درمی‌یافت که عهدِ قدیم در نهایت به او دلالت می‌کند؟ پاسخ بله، چنین بود!

شامگاهِ اولین عیدِ قیام

عیسی در ایام رسالت زمینی‌اش، شاگردان خود را برای قیام از میان مردگان مهیا ساخته بود، هرچند که آنان مقصود وی را درک نکردند. می‌توان بیم و حیرتِ آنان را تصور کرد آن‌گاه که

او پس از مصلوب شدن، در میانشان ظاهر شد. انجیل لوقا روایتی از ظاهر شدن وی در شامگاهِ اولین عید قیام را ارائه می‌دهد. عیسی پیش از آن بر مریم، پطرس و دو شاگرد دیگر آشکار شده بود و اینک بر جمع کثیری از پیروانش که در اورشلیم تجمع کرده بودند، ظاهر گشت. عیسی پس از آنکه ایشان را اطمینان بخشید که براستی قیام کرده است، به آنان فرمود:

«آنگاه به ایشان گفت: «این همان است که وقتی با شما بودم، می‌گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر دربارهٔ من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد.» سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدس را درک کنند. و به ایشان گفت: «نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوّم از مردگان بر خواهد خاست، و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همهٔ قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود.» لوقا ۲۴: ۴۴ - ۴۷

آیا بدین نکته توجه دارید که عیسی چگونه معنای مرگ و قیام خود را برای شاگردان تبیین می‌کند؟ او به عهد قدیم استناد می‌جوید. و خاطرنشان می‌سازد که جزء به جزء آن - «شریعت موسی، انبیا و زبور» - پیرامون اوست. عهد قدیم حاوی پیش‌گویی‌هایی گنگ و عام درباره‌ی مسیح نیست! به گفته‌ی عیسی، این کتب او را همان مسیح موعودی معرفی می‌کنند که جان می‌سپارد، روز سوم قیام کرده و مژده‌ی منجی بودنش را

برای جهانیان اعلام می‌کند.

پس، بله، عیسی خود را در عهد عتیق می‌دید. بر اساس آنچه او می‌گوید، عهد عتیق شکل و قالب اصلی انجیل را ترسیم میکند. شاید نام «عیسی» به‌صراحت در آن نوشته نشده باشد، اما شخصیت و خدمت او در آن آمده است. عیسی همان مسیح است، همان حاکم موعودی که رنج، پیروزی و نجات او در سراسر عهد عتیق پیش‌نمایش داده شده است.

موعظه بالای کوه

پیش از آن، در اوایل دوران خدمت خویش و مدت‌ها قبل از آن نخستین روزِ رستاخیز، عیسی شاگردانش را تشویق می‌کرد تا کتب مقدس را در پرتو ظهور او و این حقیقت که وی برای تحقق بخشیدن به وعده‌های خداوند در عهد عتیق آمده است، مطالعه کنند. تعلیم نسبتاً تکانه‌دهنده‌ی او، بخشی از موعظه‌ای بود که بر بالای کوه ایراد کرد. عیسی با به‌کارگیری عبارت «تورات یا انبیا» به عنوان اشاره‌ای به عهد عتیق، خطاب به جمعیت چنین گفت:

«گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم؛ نیامده‌ام تا آنها را نسخ کنم، بلکه آمده‌ام تا تحققشان بخشم. زیرا آمین، به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، نقطه یا همزه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا اینکه همه به انجام رسد. پس هر که یکی از کوچکترین این احکام را کم‌اهمیت شمارد و به دیگران نیز

چنین بیاموزد، در پادشاهی آسمان، کوچکترین به شمار خواهد آمد. اما هر که این احکام را اجرا کند و آنها را به دیگران بیاموزد، او در پادشاهی آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.» متی ۵: ۱۷ - ۱۹

عیسی به صراحت اعلام می‌دارد که عهد قدیم پابرجا خواهد ماند. او نیامده است تا آن را ملغی سازد؛ و همچنین قصد ندارد کسی آن را نادیده انگارد. تا اینجا همه چیز قابل فهم است هیچ‌یک از حاضران در آن روز بر دامنه کوه از این که عیسی کتاب مقدس را بدین گونه تأیید کند، متعجب نمی‌شدند.

لیکن آن‌گاه عیسی از لفظ «تحقق» سخن می‌گوید؛ کلامی که بی‌گمان ابروان بسیاری را به نشانه‌ی تعجب بالا برد. سخنی است بس بهت‌آور؛ کدامین کس را یارای آن است که بگوید من غایت عهد قدیم خواهم بود؟ چه ادعای جسورانه‌ی! با این همه، عیسی کلام مکتوب را، حتی تا ریزترین اشارات قلم بر حروف، تنها معطوف به خود می‌داند. تمام نویدها، پیش‌گویی‌ها، احکام و قضاوت‌های آن؛ وی بر آن است تا تمامی آن‌ها را تمام و کمال به انجام رساند.

عیسی پیروان خویش را تعلیم داد تا عهد قدیم را به گونه‌ای تازه بازخوانی کنند؛ این کار نه با دگرگون ساختن معنای عهد قدیم، بلکه با نشان دادن این حقیقت صورت گرفت که او چگونه غایت راستین و اصیل داستان عهد قدیم است. ز این رو، فهم عهد قدیم یا شناخت عیسی، بدون نظر افکندن به هر دوی آن‌ها میسر نیست. ما ابتدا عیسی را در روشنائی عهد قدیم درک می‌-

کنیم و سپس، در مقام تحقق بخش آن، عهد قدیم را در روشنائی حضور او می شناسیم.

ادله ی ثبات

یکی از عمیق ترین سخنانی که عیسی درباره عهد عتیق بیان می کند، در جریان یکی از گفتگوی او با فریسیان رخ می دهد. به نظر می رسد که لحظات پرتنش، سخنانی کوتاه و برنده صریح به وجود آمده است. هنگامی که به کفرگویی متهم می شود، عیسی شاهدان متعددی را برای دفاع از خود احضار می کند. یحیای تعمیددهنده یک شاهد بود؛ خدای پدر شاهد دیگری بود؛ موسی نیز در جایگاه شاهد قرار گرفت (یوحنا ۵: ۳۰ - ۴۷). به گفته عیسی، هریک از این شاهدان به نفع او شهادت می دهند. یعنی آنان او را تأیید می کنند؛ به او اشاره می کنند.

حدس بزنید عیسی چه کسی دیگری را به عنوان شاهد فرا می خواند؟ عهد عتیق را. آنچه را که عیسی در این مناسبت درباره عهد عتیق بیان می دارد، نادیده نگیرید:

«و همان پدری که مرا فرستاد، خود بر من شهادت می دهد. شما هرگز صدای او را نشنیده و روی او را ندیده اید و کلام او در شما ساکن نیست، زیرا به فرستاده او ایمان ندارید. شما کتب مقدس را می کاوید، زیرا می پندارید به واسطه آن حیات جاویدان دارید، حال آنکه همین کتابها بر من شهادت می دهند. اما نمی خواهید نزد من آید تا حیات یابید.» یوحنا

۴۰ - ۳۷:۵

مخالفان عیسی، پژوهشگرانِ سخت‌کوشِ عهدِ عتیق بودند. آنان کتب مقدس را با این پندار که خودِ این نوشته‌ها می‌توانند حیات جاویدان به ایشان ببخشند، به دقت بررسی می‌کردند. با این حال، به گفته‌ی عیسی، آنان درک کاملاً نادرستی از کتب مقدس داشتند. عیسی تصریح می‌کند که عهدِ عتیق هرگز هدفِ نهایی نبوده است؛ بلکه همواره همچون آیتی بوده که به حقیقتی دیگر یا به شخصی دیگر اشاره داشته است. و آن شخص، همان عیسی است! حیات جاویدان در خودِ کتب مقدس یافت نمی‌شود، بلکه از طریق آن‌ها به دست می‌آید؛ چرا که این کتب بر او شهادت می‌دهند.

خلاصه کلام اینکه، خواستِ عیسی این است که ما عهدِ قدیم را چنان بازخوانی کنیم که به او منتهی شویم. جز این اگر باشد، ما در درکِ صحیحِ کلامِ مکتوب راه به خطا برده‌ایم.

هنگامی که به این سه رویداد در زندگی عیسی می‌نگرید شامِ نخستین عید قیام، موعظهٔ بالای کوه، و دفاع او از خود در برابر یهودیان دیدگاه عیسی دربارهٔ عهدِ عتیق را آشکار می‌سازد. او انجیل را در آن می‌بیند؛ معنا و رسالت زندگی خود را از آن تشخیص می‌دهد؛ خود را محور و هدف آن می‌داند. شاید هنوز به‌طور کامل جزئیات و ابعاد این مطلب را درک نکرده باشیم، اما دست‌کم پاسخی قطعی برای پرسش خود داریم. خداوند عیسی، برترین مرجع در تفسیر کتاب مقدس، بر این باور است که عهدِ عتیق به او اشاره می‌کند. پس نیکوست که عهدِ عتیق را با نگاه به عیسی مطالعه کنیم.

فی الواقع، با نگاه به پیام‌آورانِ برگزیده‌ی عیسی که همان دوازده رسول باشند، پی می‌بریم که ایشان نیز درست بر همین منوال رفتار می‌نمودند. بجاست که درنگ نموده و در آنچه از این «خبرگانِ کلام» فرامی‌گیریم نیز اندیشه کنیم.

پیروی از رهبر

شاید برخی از بازی کودکانه‌ای را حضور ذهن دارد که در آن یک نفر جلو می‌رفت و دیگران از او تقلید می‌کردند چیزی شبیه «پیروی از رهبر». هر کاری که رهبر انجام می‌داد، دیگران نیز موظف بودند همان را به‌جا آورند. اگر رهبر از جا می‌پرید، پیروان هم می‌پریدند. اگر رهبر به دور خودش می‌چرخید، پیروان هم می‌چرخیدند. اگر رهبر با مسیری دیوانه‌وار و زیگزاگی به دویدن می‌پرداخت، پیروان هم تا جایی که از دستشان برمی‌آمد همان پیچ و خم‌ها را طی می‌کردند.

با بالغ شدن، دست از پیروی از رهبر برنمی‌داریم. این بازی به دوران بزرگسالی نیز کشیده می‌شود، با این تفاوت که دیگر نه در قالب بازی و سرگرمی، بلکه (امید است) به مثابه‌ی شیوه‌ای بالغانه در زندگی بروز کند. آنگاه که در می‌یابیم کسانی که صاحب اقتدار هستند، لایق و شرافتمندند، با میل و رغبت از آنان پیروی می‌کنیم. آنان را زیر نظر می‌گیریم، به سخنانشان گوش می‌سپاریم، از آنان می‌آموزیم، و حتی آنان را الگوی خود می‌سازیم.

نخستین شاگردان عیسی نیز از این قاعده مستثنا نبودند. آنان با تمام وجود به تعالیم عیسی دربارهٔ عهد عتیق گوش می‌سپردند و راه او را در پیش می‌گرفتند. از او آموختند که چگونه عهد عتیق را با نگاهی بخوانند که به او ختم می‌شود. ذهن و فهمشان گشوده شده بود تا دریابند (لوقا ۲۴: ۴۵).

بقیهٔ عهد جدید نشان می‌دهد که آنان تعالیم عیسی را چقدر خوب فهمیده بودند. از شیوهٔ بشارت دادن دربارهٔ عیسی تا نحوهٔ تعلیم دادن به کلیساها، شاگردان همواره نشان می‌دادند که وعده‌ها، الگوها و نبوت‌های عهد عتیق چگونه در نهایت در شخص و کار مسیح به اتمام رسیدند. نقل قول‌ها و اشارات عهد عتیق صفحات عهد جدید را پر کرده‌اند. برای مثال، اناجیل به‌طور ویژه نشان می‌دهند که عیسی چگونه نبوت‌های عهد عتیق را تحقق بخشید. اعمال رسولان، رسولان را در حال موعظه دربارهٔ عیسی به‌عنوان مسیح موعود عهد عتیق نشان می‌دهد. رساله‌ها از عهد عتیق به‌عنوان راهنمایی برای اعتقاد و زندگی استفاده می‌کنند. مکاشفه با استفاده از تصاویر غنی عهد عتیق، پایان زمان را به تصویر می‌کشد.

بی‌گمان رسولان عهد عتیق را یادگاری کهنه و منسوخ نمی‌پنداشتند که باید کنار گذاشته شود! وقتی در پرتو عیسی فهمیده شود، عهد عتیق اساس شاگردی مسیحی است. پولس این نکته را به‌صراحت بیان کرد آنگاه که به تیموتاوس گفت «نوشته‌های مقدس» می‌توانند ما را برای نجات از طریق ایمان به مسیح عیسی اصلاح و تجهیز کند (دوم تیموتاوس ۳: ۱۵).

پولس به کدام نوشته‌های مقدس اشاره داشت؟ عهد عتیق! به عبارت دیگر، پولس گفت که عهد عتیق ما را به شناختن، اعتماد کردن و زندگی کردن با عیسی هدایت می‌کند. و برای اینکه این نکته را از دست ندهیم، پولس آن را با تأکید بیشتری بیان می‌کند:

«تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.» ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶

— ۱۷

عهد عتیق همچنان پر ثمر و سودمند است! چطور می‌تواند غیر از این باشد؟ هر کلمه‌ای از آن از جانب خود خدا الهام شده و به انجیل اشاره می‌کند. عهد عتیقی که در پرتو عیسی تفسیر و تطبیق داده می‌شود، برای زندگی مسیحی ضروری است. به گفته پولس، بلوغ مسیحی ما در واقع به آن وابسته است بدون عهد عتیق ناقص و ناآماده هستیم.

خواهر و برادر عزیز ما در مسیح، خدا عهد عتیق را به تو داده است تا مسیح را بشناسید و بهتر و به صورت کامل تر از او پیروی کنید. بنابر این، اطمینان حاصل کنید که در زندگی با عیسی، اهمیت آن را دست‌کم نگیرید. لهذا نخستین شاگردان مسیح را الگو قرار داده و طوری پیروی کنید که خود از عیسی پیروی می‌کردند، با این نگرش و درک که عهد عتیق به عیسی اشاره می‌کند.

عهد عتیق چگونه به عیسی اشاره می کند؟

درک اینکه عیسی و رسولان، عهد عتیق را کتابی می دانستند که در نهایت به مسیح اشاره می کند، کار سخت و مشکل نیست. مشکل زمانی است که عهد عتیق را باز می کنید تا عیسی را در آن پیدا کنید، اما او به ظاهر در هیچ جا دیده نمی شود. چه باید کرد؟ شاید اگر مدتی بدون پلک زدن به آن خیره بمانید، به طور معجزه آسایی ظاهر شود! یا شاید بتوانید از تداعی آزاد استفاده کنید: «این متن کتاب مقدس به این شکل مرا به یاد عیسی می اندازد...»

خوشبختانه برای دیدن مسیح در عهد عتیق نیازی به ترفندهای جادویی، تفسیر تخیلی یا تمثیل نداریم. عهد عتیق به حقیقت و راستی به عیسی اشاره می کند فقط بر ماست که طریق آن را یاد بگیریم.

بهره مندی از «کیت آموزشی» همواره سودمند است. در زندگی روزمره هم برای خیلی کارها چنین بسته هایی وجود دارد، مثلاً برای زنبورداری، نجاری، یا حتی شروع حرفه کوچک، معمولاً وسایل و ابزارهای لازم را یک جا آماده می کنند تا کار آسان تر شروع شود. اما برای دیدن مسیح در عهد قدیم چنین بسته آماده ای وجود ندارد؛ بلکه خود کتاب مقدس بهترین کیت آموزشی است. اگر به راهنمایی هایی که در عهد عتیق به ما داده شده توجه کنیم، همراه با نمونه های تفسیری که در عهد

جدید یافت می‌شود، به تدریج می‌بینیم که چگونه همه آنها به عیسی اشاره دارند.

عهد عتیق به شش روش اساسی به عیسی اشاره می‌کند: وعده‌ها، سایه یا نمادها، تعالیم، سقوط و افتادگی، روایت و مفاهیم. بیایید به ترتیب هریک از آنها را بررسی کنیم.

وعده‌ها

یکی از محوری‌ترین راه‌هایی که عهد عتیق به عیسی دلالت می‌کند، از طریق وعده‌هایی است که خداوند مبنی بر فرستادن نجات‌دهنده‌ای به جهان داده است. وعده‌های پروردگار را در سراسر عهد عتیق می‌توان. از این وعده‌ها غالباً با عناوین وعده‌های مسیحایی یا نبوت‌های مسیحایی یاد می‌شود توصیفی که از دقت کافی برخوردار است، چرا که «مسیحا» عنوانی عبری نجات‌دهنده‌ای است که خداوند آمدنش را وعده داده بود. معادل یونانی این لقب «مسیح» است که همان مفهوم را در بر دارد؛ و این همان دلیلی است که رسولان با حرارت تمام در پی آن بودند تا مردم را به شناخت عیسی به مثابه مسیح یاری رسانند. امید مسیحایی عهد عتیق در شخص او تحقق یافته و به کمال رسیده است.

هنوز از فصول نخستین کلام خدا نگزشته‌اید که با اولین نوید آمدن رهائی‌بخش روبرو می‌شوید. پروردگار خطاب به مار سخن می‌گوید: همان موجودی که با موفقیت آدم و حوا را به گناه وسوسه کرده بود:

«میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می گذارم؛
او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.»
پیدایش ۳: ۱۵

هنوز جوهر نخستین گناه در تاریخ بشریت خشک نشده که
خدا با لطف و فیض خود وعده آمدن نجات دهنده ای را می دهد.
از این لحظه به بعد، چشم انتظار کسی هستیم که از زنی زاده
شود («نسل زن»)، که در رویارویی با شرارت رنج خواهد برد
(«تو پاشنه وی را خواهی زد») و از رهگذر همین رنج پیروزمند
خواهد شد («او سر تو را خواهد کوبید»). هنوز نامش را
نمی دانیم، اما از همین حالا عیسی را می نگریم.

با ادامه عهد عتیق، وعده خدا برای فرستادن نجات دهنده
روشن تر می شود. می آموزیم که نسل آن زن از نسل ابراهیم
خواهد بود (پیدایش ۱۷: ۷-۸)، از سبط یهودا (پیدایش ۴۹:
۱۰)، و از دودمان داوود (دوم سموئیل ۷: ۱۲-۱۳). او نبی ای
همچون موسی خواهد بود (تثنیه ۱۸: ۱۵) و به عنوان
کاهن پادشاهی ابدی حکم خواهد راند (مزامیر ۱۱۰: ۲-۴).
رنج خواهد برد (اشعیا ۵۳: ۳-۱۱)، از مردگان زنده خواهد
شد (مزامیر ۱۶: ۱۰)، و به عنوان نجات دهنده جهان بر تخت
خواهد نشست (دانیال ۷: ۱۳-۱۴).

آنچه تاکنون بررسی شد، تنها به صورت سطحی نسبت به
موضوع پرداخته شده است. باور این است که عهد عتیق بیش
از چهارصد وعده نبوی مرتبط با نجات دهنده موعود را در خود

جای داده است. فارغ از شمار دقیق این وعده‌ها، هر بار که با یکی از آن‌ها روبه‌رو می‌شوید، نگاه خود را به افق بلند کنید و در جستجوی عیسی باشید؛ چراکه در شخص اوست که تمامی وعده‌های نجات‌بخش خداوند «بله» و «آمین» خویش را می‌یابند (دوم قرن‌تیاں ۱: ۲۰).

سایه‌ها

راه دیگری که عهد عتیق به عیسی اشاره دارد از طریق «سایه‌ها» است. آیا این سخن عجیب به نظر نمی‌رسد؟ منظور از «سایه» در کتاب مقدس دقیقاً چیست؟

شما پیش از این سایه‌ی خود را دیده‌اید. سایه، تصویری دقیق و واضح از کیستی شما ارائه نمی‌دهد. اگر خورشید در موقعیت کاملاً مناسبی قرار داشته باشد، شاید کسی بتواند با نگرستن به سایه‌تان، قد یا وزن شما را حدس بزند. اما کسی هرگز قادر نخواهد بود تا رنگ پوست شما را تشخیص دهد، حالت چهره‌تان را بخواند، یا لباس‌هایی را که بر تن دارید ببیند؛ در کل کارکردِ سایه این‌گونه نیست. اساساً سایه‌ها نه برای ارائه‌ی جزئیاتِ دقیق، بلکه برای ایجاد یک ذهنیت و اشاره‌گر هستند. و در نهایت صرفاً طرح و کالبدِ کلیِ یک چیز یا شی را به شما نشان می‌دهد.

خداوند سایه‌هایی از عیسی را در عهد عتیق قرار داده است. منظور خدا از این سایه‌ها آن است که ما طرح کلی از کیستی

عیسی و مأموریت او را دریابیم. ما سایه‌های عیسی را در شخصیت‌هایی همچون آدم مشاهده می‌کنیم؛ کسی که کتاب مقدس، او را «نمونه و پیش‌درآمد یا الگویی» مسیح می‌نامد (رومان ۵: ۱۴). آدم شبیه و به صورتِ خدا آفریده شد، سر و پدر کل بشریت بود و او مأموریت داشت تا برای جلالِ خدا در روی زمین فرمانروایی کند. با این حال آدم سقوط کرد، و جهان را در کام مرگ فرو برد. سپس عیسی آمد؛ آدم حقیقی و برتر! عیسی دقیق در همان جایی به پیروزی رسید که آدم در آن شکست خورده بود. او انسانیتِ جدیدی خلق می‌کند و برای همه‌ی کسانی که با ایمان به او پیوند می‌خورند، از دلِ مرگ زندگی جدید می‌آفریند. او حتی همین اکنون نیز از آسمان فرمانروایی می‌کند و جلالِ خدا را در سراسر زمین می‌گستراند. اگر می‌خواهید درباره‌ی اینکه چگونه آدم سایه‌ای از عیسی بود بیشتر بدانید، رومان ۵: ۱۲ - ۲۱ را مطالعه کنید.

معبدِ عهد عتیق نیز سایه‌ای از عیسی بود. معبد، محل سکونت و مأوای خداوند به شمار می‌رفت؛ مکانی که در آن، خدا از طریق تقدیم قربانی، آغوش خود را به روی قوم خویش می‌گشود و با آیین‌های گوناگون به آنان تعلیم می‌داد که منجی موعود در آینده چه مأموریتی را به صورت حضوری و در شخص خود به انجام خواهد رساند. عیسی از طریق مرگ و رستاخیز او، تمام آنچه را که معبد پیش‌درآمد یا نمونه‌ی آن بود، محقق ساخت (یوحنا ۲: ۱۹ - ۲۱). ما دیگر با خدا در «مقدس‌ترین مکان‌ها» ملاقات نمی‌کنیم؛ بلکه اکنون او را در

«مقدس‌ترین شخص» یعنی در فرزندش عیسی مسیح ملاقات می‌کنیم؛ همان که «زیرا خشنودی خدا در این بود که با همه کمال خود در او ساکن شود»، (کولسیان ۱: ۱۹).

سایه‌های بسیاری از عیسی در عهد عتیق وجود دارد. وقتی یاد می‌گیرید کتاب مقدس را همچون عیسی و رسولان بخوانید، آنها را در همه جا خواهید دید. خدا می‌خواهد ما شکل کلی زندگی و خدمت عیسی را در قربانی‌ها (عبرانیان ۱۰: ۱ - ۱۰)، ختنه (کولسیان ۲: ۱۱)، قوانین غذایی و روزهای مقدس (کولسیان ۲: ۱۶)، ملکی‌صِدِّق (عبرانیان ۷: ۱ - ۳)، موسی (اعمال رسولان ۳: ۲۲)، داوود (مزامیر؛ متی ۱: ۱)، سلیمان (لوقا ۱۱: ۳۱)، یونس (متی ۱۲: ۴۰ - ۴۱)، اسرائیل (متی ۲: ۱۴ - ۱۵)، کهنات (عبرانیان ۷: ۱ - ۲۵)، و موارد دیگر ببینیم.

پولس رسول این موضوع را به گونه‌ای خلاصه می‌کند که می‌توانیم آن را به آسانی به خاطر بسپاریم:

«اینها تنها سایه امور آینده بود، اما اصل آنها در مسیح یافت می‌شود.» کولسیان ۲: ۱۷.

هر چیزی در عهد عتیق سایه‌ای از عیسی نیست. این بدان معناست که شما نباید در جاهایی که سایه‌ای وجود ندارد، به دنبال دیدن آن باشید؛ اما قطعاً نباید سایه‌های موجود را نیز نادیده بگیرید، زیرا جوهر و حقیقتِ عینی آن سایه‌ها، خود شخصِ عیسی است.

شاید این سؤال برای شما پیش بیاید که چگونه می‌توانم تشخیص دهم چه چیزی سایه است و چه چیزی نیست؟ در واقع، ساده‌ترین راه برای شناسایی سایه‌ها در کتاب مقدس، مطالعه‌ی عهد عتیق در پرتو عهد جدید است. همان‌طور که در بخش‌های قبلی نشان داده شد، عهد جدید تفاسیر و توضیحات فراوانی را درباره‌ی اینکه کدام یک از عناصر عهد عتیق پیش‌درآمدی بر شخص عیسی هستند، ارائه می‌دهد. از کجا بدانیم که قربانی‌های عهد عتیق به عیسی اشاره دارند؟ زیرا یحیای تعمیددهنده، مسیح را «بره‌ی خدا که گناه جهان را برمی‌گیرد» می‌نامد (یوحنا ۱: ۲۹). از کجا بدانیم که خیمه‌ی عبادت بر مسیح دلالت می‌کند؟ زیرا یوحنا‌ی رسول به ما می‌گوید که مسیح در میان ما «خیمه زد» (یوحنا ۱: ۱۴، ترجمه‌ی نویسنده). از کجا بدانیم که ماندن سه روزه‌ی یونس در شکم آن ماهی بزرگ، پیش‌درآمدی بر سه روز ماندن عیسی در قبر بوده است؟ خود عیسی می‌فرماید که چنین است (متی ۱۲: ۳۹). هرچه بیشتر به نحوه‌ی قرائت و تفسیر عهد عتیق توسط عیسی و رسولان دقت کنید، بیشتر درخواهید یافت که عهد عتیق سرشار از الگوهایی است که ظهور مسیح را پیش‌بینی و انتظار می‌کشند.

تعالیم و دستورالعمل‌ها

تعالیم و دستورالعمل، طریق دیگری است که عهد عتیق از مجرای آن بر عیسی دلالت می‌کند. این نشانگر چنان آشکار و

بدیهی است که به سادگی می‌توان از آن غفلت ورزید؛ درست مانند چیزی که در کمالِ وضوح، از دیدگان پنهان مانده است. با این حال، هدف این است که ما عیسی را در دستورالعمل‌های عهدِ عتیق مشاهده کنیم.

منظورم از تعلیم، هر دستوری که به‌طور اتفاقی با آن روبه‌رو می‌شوید نیست. برای مثال، وقتی یعقوب به پسرانش می‌گوید برای خرید غله به مصر بروند (پیدایش ۴۲: ۲) یا وقتی داوود به به مردان خود دستور می‌دهد تا شمشیرهای شان را ببندد (اول سموئیل ۲۵: ۱۳)، چیزی دربارهٔ عیسی یاد نمی‌گیریم. بلکه نوعی از تعلیم که به عیسی اشاره می‌کند، تعلیمی است که برای تمام قوم خدا در نظر گرفته شده است.

در عهدِ عتیق، تعلیم و دستورالعمل‌ها برای قوم خدا را عمدتاً در دو بخش اصلی چون مجموعهٔ شریعت و نوشته‌های حکیمانه (خروج، لاویان، اعداد، تثئیه، ایوب، مزامیر، امثال، جامعه) می‌یابیم.

در شریعت و در حکمت، خدا به قوم خود تعلیم می‌دهد که چگونه زندگی کنند. اسرائیل متعهد و ملزم به عهد بود تا از دستورالعمل‌ها و تعلیم پروردگار پیروی کند.

این موضوع چه ارتباطی با عیسی دارد؟ پاسخ کوتاه است همه چیز به او ختم می‌شود! عیسی تمامی آن قوانین را متجلی ساخت و بجا آورد. عیسی مظهرِ کاملِ آن حکمت بود. عیسی خود حافظِ شریعت (متی ۵: ۱۷) و عیسی خود حکمت است

(اول قرن‌تین ۱: ۳۰). تمام دستورالعمل‌هایی که خداوند به اسرائیل عطا فرمود، در شخصِ عیسی به کمال رسید و تحقق یافت.

آیا تا به حال به این موضوع اندیشیده‌اید که عیسی چگونه کتاب مقدس را قرائت می‌کرد؟ او را در حال خم شدن بر روی میزِ کنیسه و مطالعه‌ی طومارهای مقدس تجسم کنید. یقین دارم او هرگز در پیچیدگی‌های کتابِ لاویان سردرگم و متوقف نشد! مسئله این است هنگامی که عیسی کتاب لاویان (یا هر بخش دیگری از شریعت) را مطالعه می‌کرد، خود را در آن می‌دید. به عبارتی، عیسی درمی‌یافت که خداوند چه انتظاراتی از او به عنوان یک اسرائیلیِ راستین و فرزندی وفادار دارد و از آن‌ها اطاعت می‌کرد. همین امر در خصوص مواجهه‌ی عیسی با مکتوباتِ حکمانه، مانند کتاب امثال نیز صادق بود. او به خوبی درک می‌کرد که کتاب امثال در مورد او نوشته شده است؛ یعنی او باید با اطاعت در تمامی مسیرهایی که کتاب امثال توصیف می‌کند، در طریقِ حکمت گام بردارد.

چه کشف هیجان‌انگیزی! هنگامی که دستورالعمل‌های خدا را در شریعت و کتب حکمت مطالعه می‌کنید، در واقع همان چیزی را می‌خوانید که عیسی می‌خواند؛ و از آن مهم‌تر، متنی را می‌خوانید که عیسی بدان ایمان داشت و از آن اطاعت می‌کرد. این‌ها همان کتب مقدسی هستند که ذهن و قلب او را پر ساخته بود؛ همان نوشته‌هایی که زیربنای نگرش او را نسبت به گناه و پارسایی شکل می‌داد. این‌ها همان کتب مقدسی هستند که به

تصمیماتِ عملیِ او جهت می‌بخشید و به عنوان پیش‌زمینه‌ی تمامیِ تعالیمِ او عمل می‌کرد.

بنابراین، از کنار این واقعیت که دستورالعمل‌های خداوند چگونه بر عیسی دلالت می‌کنند، به سادگی عبور نکنید. هرگاه آموزش‌های خداوند به اسرائیل را مطالعه می‌کنید، در حقیقت در حال مشاهده‌ی چارچوب و ساختار اصلیِ زندگیِ عیسی هستید.

سقوط انسان

هرچه با عهد عتیق بیشتر آشنا شوید، یک نکته توجه شما را به شدت نسبت به خود جلب خواهد کرد اینکه چه حجم وسیعی از متن به موضوع گناه اختصاص یافته است. همه چیز به وسعت دو فصل کامل (پیدایش ۱ - ۲) در کمالِ آرامش و به شکلی ایدئال پیش می‌رود؛ تا اینکه آدم در برابر خدا طغیان می‌کند. از آن لحظه به بعد، تاریخ بشر با نافرمانی، رنج و مرگ در هم می‌آمیزد و ویران می‌شود.

تقریباً تمامی صفحات عهد عتیق بر وضعیت سقوط کرده‌ی ما گواهی می‌دهند. آدم، در مقام ناقضِ شریعت، تنها یک سرآغاز بود. به دنبال او، قاتلِ برادر، نوحِ دائم‌الخمر، حامِ تمسخرکننده‌ی پدر و تمامی ساکنان زمین در نقش بنایانِ بابل از راه می‌رسند. حتی پس از فراخوان ابراهیم نیز اوضاع بهبود نمی‌یابد. از آن پس، شاهد حسادت، فریب‌کاری، زنا با محارم،

شکایت، بیماری، ناخوشی، نازایی، خشکسالی، قحطی، تن‌فروشی، خیانت در زناشویی، همجنس‌گرایی و انواع بی‌وفایی نسبت به عهد پروردگار هستیم. عیسی نیز هنگام اشاره به کل عهد عتیق، سخن را به گزافه نیاراست وقتی فرمود که از هابیل تا زکریا، همه‌جا خون جاری بوده است (لوقا ۱۱: ۵۱).

سقوط ما چگونه بر عیسی دلالت می‌کند؟ این وضعیت، بیانگر نیازِ مبرم ما به اوست! اسرائیل به منجی نیاز داشت؛ ملت‌ها به منجی نیاز داشتند؛ و ما نیز به یک منجی نیازمندیم. از این رو، خدا را سپاس می‌گوییم که «مسیح عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد»، (اول تیموتائوس ۱: ۱۵). عیسی بارِ شکست و سقوط ما را بر دوش گرفت، بهای گناهان ما را پرداخت و بر شرارت پیروز گشت. مرگ و رستاخیز او، نویدبخشِ آغازِ زندگیِ نوین و ظهورِ جهان تازه است.

خلاصه آنکه، عیسی همان راهِ حلِ یگانه برای وضعیتِ سقوط یافته‌ی ماست. چنانچه هر یک از مصادیقِ گناه و رنج در عهد عتیق را هم‌چون فریادی برای طلبِ منجی تصویر کنید، آن‌گاه حضور عیسی را در همه جا مشاهده خواهید کرد. تمامی ابعادِ سقوط انسان در عهد عتیق، بر شخصِ او دلالت می‌کنند.

روایات

عهد عتیق سرشار از داستان‌های هیجان‌انگیز است. محبوب‌ترین‌های شما کدامند؟ من شیفته‌ی روایتِ یوسف در کتاب پیدایش، عبور از دریای سرخ در خروج و سقوط اریحا در کتاب یوشع هستم؛ همین‌طور ماجراهای پرفراز و نشیب شمشون در کتاب داوران، تمامی وقایع مربوط به شائول و داود در کتب اول و دوم سموئیل و البته داستانِ کوره‌ی آتش و دهانه‌ی شیران در کتاب دانیال نیز هستم. عهد عتیق مملو از قصه‌های شگفت‌انگیز است.

اما باید به این حقیقت پی ببریم که این داستان‌ها به صورت مجزا و منزوی از یکدیگر قرار ندارند؛ بلکه همگی به یک روایتِ واحد، فراگیر و بزرگ پیوند خورده‌اند. هنگامی که داستانِ بزرگِ عهد عتیق را درک کنید، تازه متوجه می‌شوید که چگونه آن خرده روایت‌های کوچک‌تر بر شخصِ عیسی مسیح دلالت می‌کنند.

روایت بزرگ و جاری عهد عتیق چیست؟ پاسخ ساده است، روایت پادشاهی موعود خداست. این روایت از خلال عهد خدا (پیمان‌های رابطه‌ای او) با آدم، نوح، ابراهیم، اسرائیل و داود گام‌به‌گام آشکار می‌شود. این عهد‌ها در کنار هم طرح کلی داستان عهد عتیق را می‌سازند.^۱ پس از سقوط آدم، خدا وعده می‌دهد که حاکمی را برای نجات جهان بفرستد؛ عهد با نوح

تضمین می کند که جهانی برای نجات یافتن باقی خواهد ماند؛ و عهد خدا با ابراهیم، اسرائیل و داود آشکار می کند که این حاکم موعود از نسل چه کسی خواهد آمد و ماهیت حکمرانی او چگونه خواهد بود.

داستان عهد عتیق بدون اینکه قول های مربوط به پادشاهی خدا عملی شود، تمام می شود. انگار همه چیز در حساس ترین جای خودش نیمه کاره می ماند و ما را امیدوار به آینده ای رها می کند که قرار است همه ی وعده ها در آن اجرا شوند. اجازه بدهید آخر داستان را واگشایی کنم: این تحقق فقط در عیسی است! وقتی عیسی آمد و عهد جدیدی را شروع کرد، در واقع پادشاهی خدا طلوع کرد. عیسی بخش اصلی و هیجان انگیز این داستان، راه حل این ماجرای پیچیده و همان پادشاهی است که قرن ها منتظرش بودیم.

تمام خرده روایت ها، در دل داستان بزرگ پادشاهی وعده داده شده معنا پیدا می کنند. همه ی آن ها بر شیوه های حیرت آور خداوند در نجات قومش از طریق چنین فدیة دهنده دلالت می کنند؛ آن هم درست وقتی که اوضاع طوری است که انگار همه ی قول ها و وعده های خدا از بین رفته اند. خدا چطور می خواهد وعده هایش برای فرستادن پادشاه را عملی کند وقتی زن ابراهیم بچه دار نمی شود؟ یا زمانیکه یعقوب دست به فریبکاری می زند؟ وقتی قحطی دارد خانواده ی برگزیده خدا را از روی زمین محو می کند؟ وقتی اسرائیل در مصر برده است؟ وقتی جباران سرزمین موعود را غصب کرده اند؟ زمانیکه داوران

بی‌کفایت و پادشاهان نافرمان هستند؟ هنگامی که قوم خدا سخنِ انبیا را نادیده می‌گیرند؟ وقتی هامان نقشه‌ی قتل‌عامِ یهودیان را می‌کشد؟ یا وقتی اورشلیم به یک مخروبه تبدیل شده است؟ در تمام این ماجراها، نجات و آزادی عجیبِ خدا دوباره و دوباره همان قصه‌ی اصلیِ کتاب مقدس را تکرار می‌کنند: اینکه خدا، فقط و فقط به خاطر فیضِ خودش، عاشقِ این است که بگردد و گم‌شده‌ها را پیدا و نجات بدهد.

ما باید بدین درک نائل شویم که خرده‌روایت‌های عهد عتیق، در واقع پیش‌داستانِ آن روایتِ بزرگ هستند؛ به عبارتی، تمامی آن‌ها اجزایِ تفکیک‌ناپذیرِ روایتِ بزرگ محسوب می‌شوند و آن داستان، تماماً درباره‌ی عیسی است.

مفاهیم

آخرین شیوه‌ای که عهد عتیق از طریق آن بر عیسی دلالت می‌کند، بهره‌گیری از مفاهیم است. در عهد عتیق، ما با مفاهیمی همچون قدوسیت، گناه، پارسایی، ایمان، عدالت، داوری، غضب، رحمت، محبت، لعنت، برکت، غرور، فروتنی، برگزیدگی و جانشینی (تنها به عنوان چند نمونه) آشنا می‌شویم. تمامی این مفاهیم، ذهن ما را برای ظهور عیسی مهیا می‌سازند. خداوند به واسطه‌ی این مفاهیم، بسان باغبانی است که خاکِ اندیشه‌ی ما را برای رشدِ بذَرِ انجیل آماده می‌کند. کافی است تأمل کنیم که هر یک از این مفاهیم چه پیوندی با مژده‌ی انجیل دارند، تا به درک عمیق‌تری از عیسی نائل شویم.

به عنوان نمونه، موضوع بخشش را در نظر بگیرید. عفو و گذشتِ خداوند در قبالِ گناهکاران، یکی از مفاهیم برجسته در عهد عتیق است. این حقیقتِ خیره‌کننده را درباره‌ی ذاتِ خداوند در نظر داشته باشید:

«او با ما مطابق گناهانمان رفتار نمی‌کند و به ما بر حسب تقصیراتمان سزا نمی‌دهد. زیرا به اندازه‌ای که آسمان از زمین فراتر است، به همان اندازه نیز محبت خدا نسبت به ترسندگان او عظیم است! به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است به همان اندازه نیز نافرمانیهای ما را از ما دور کرده است.» مزمو ۱۰۳: ۱۰ - ۱۲

این حقیقت شگفت‌انگیز پرسش‌های جدی‌ای برمی‌انگیزد. آیا خدا نسبت به عدالت بی‌تفاوت است؟ آیا تخلفات ما اهمیتی ندارند؟ آیا او گناهان ما را نادیده می‌گیرد؟ هرگز! اگر این موضوع را در سراسر کتاب مقدس دنبال کنیم، خود را در برابر صلیبی خونین می‌یابیم. تنها هنگامی که بخشش را در پرتو انجیل می‌نگریم، عیسی را با وضوح بیشتری می‌بینیم. بخشش خدا ممکن است رایگان باشد، اما ارزان نبود. بدهی ما را عیسی پرداخت.

موضوعات دیگری نیز به همین شکل به عیسی اشاره دارند. در روایت ابراهیم، به تدریج با «عادل شمرده شدن از راه ایمان» آشنا می‌شویم؛ در احکام مربوط به قربانی، با مفهوم کفارهٔ جانشینی آشنا می‌شویم؛ و در نبوت دانیال، دربارهٔ داوری نهایی و رستاخیز مردگان می‌آموزیم. این نمونه‌ها پایانی ندارند. هر

موضوعی که در عهد عتیق با آن روبرو می‌شوید، آن را به عیسی ببرید. خدا دقیقاً به همین دلیل آن را در آنجا قرار داده است.

چرا دلالتِ عهد عتیق بر عیسی تا این حد حائز اهمیت است؟

همین‌طور که این کلمات را می‌نویسم، مادر جوانی از اعضای کلیسای من در تدارکِ رفتن به مطب پزشک است. سال‌هاست که وضعیتِ سلامت او بدون هیچ تشخیصِ مشخصی رو به افول بوده؛ اما دیروز، متعاقبِ تصویربرداری «ام‌آر‌آی» از مغز او، پزشک قرار ملاقاتی را تنظیم کرد. این تصویربرداری مشکلی را فاش کرده است، که شاید همان ریشه‌ی اصلی بیماری باشد. می‌توانید ترکیبِ غریبی از اضطراب و اشتیاق را که او حس می‌کند تصور کنید؛ اشتیاق برای یافتنِ پاسخی برای وضعیتِ مبهم او و اضطراب از اینکه آن پاسخ چه می‌تواند باشد. همه‌چیز به این بستگی دارد که پزشک، گزارشِ آن تصویر برداری را چقدر دقیق و درست تفسیر کند.

آیا این موضوع که عهد عتیق به عیسی اشاره کند واقعاً اهمیتی دارد؟ احتمالاً می‌گویید همین که کتاب مقدس را بخوانیم، اصلِ مطلب را ادا کرده‌ایم، این‌طور نیست؟ امیدوارم رفته‌رفته دریابید که چیزهای بسیار مهم‌تری در میان است. همان‌گونه که دقت پزشک در تشخیص می‌تواند سرنوشت بیمار را رقم بزند، بسیار چیزها به این وابسته است که نه‌تنها کتاب

مقدس را بخوانیم، بلکه آن را به شیوه درست بخوانیم.

در ادامه، به چند برهان در تبیین اهمیت و ضرورت دلالتِ عهد عتیق بر شخصِ عیسی اشاره می‌شود:

زیرا عیسی صادق و برحق است

قصد ندارم با این استدلال لحنی طعنه‌آمیز داشته باشم، اما تکرار آنچه در آغاز این کتاب دیدیم، ارزشمند است: عیسی فرمود که تمام کتاب مقدس بر او دلالت می‌کند؛ و عیسی دروغگو نیست. او دچار اشتباه هم نشده است. اگر در واقعیت، عهد عتیق بر او دلالت نداشته باشد، آن‌گاه او یا به خطا رفته و یا در پی فریب بوده است. هر دوی این احتمالات غیرقابل تصور هستند! اگر عیسی درباره‌ی عهد عتیق دچار سردرگمی بود، پس چه چیزهای دیگری در ذهن او آشفته و مبهم بوده است؟ بدتر از آن، اگر او در این باره دروغ گفته باشد، با چه نوع شخصیتی روبرو هستیم؟ اگر نتوان به گفته‌های عیسی درباره‌ی عهد عتیق اعتماد کرد، پس به هیچ‌یک از سخنان او نمی‌توان اعتماد نمود.

اما عیسی صادق و برحق است. چون خداوند پدر، سرتاسر وجود او نور است و هیچ تاریکی در او راه ندارد (اول یوحنا ۱: ۵). این بدان معناست که می‌توانید در همه امور به او اعتماد کنید؛ از نجاتِ روح شما گرفته تا آموختنِ شیوه صحیح مطالعه عهد عتیق.

زیرا تمامیتِ کتاب مقدس ارزشمند است

آیا تا به حال کتاب‌های مقدس جیبی کوچک را دیده‌اید؟ برای اینکه آن‌ها را به اندازه‌ای فشرده کنند که در جیب جا بگیرند، ناشران بیشتر عهد عتیق را نادیده می‌گیرند. آنچه از جهتِ حجم به دست می‌آید، از جهتِ ارزش از دست می‌رود. البته داشتن تنها بخشی از کتاب مقدس بهتر است تا اینکه به صورت کامل به کلام خدا دست رسی نداشته باشیم! اما کتاب مقدس کامل برترین است.

عیسی زمانی چنین فرمود (با نقل قول از کتابی که در نسخه‌های جیبی یافت نمی‌شود): «عیسی در پاسخ گفت: نوشته شده است که: «انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر شود.»» (متی ۴: ۴، با نقل از تثنیه ۸: ۳). حیاتِ ما در گروِ تک‌تکِ کلماتی است که خداوند بر زبان آورده است؛ و این شاملِ تمامیِ کلماتِ عهد عتیق نیز می‌شود. حتی یکی از آن واژگانِ عهد عتیق نیز بیهوده بر زمین نیفتاده است، بلکه هر یک از آن‌ها برای شاگردیِ شما همچنان حیاتی و مرتبط باقی مانده‌اند. اگر این کلمات به شیوه‌ای درست قرائت شوند، «و این نوشته‌ها به تو حکمت می‌بخشند تا به وسیلهٔ ایمان به عیسی مسیح نجات یابی.» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۵).

دلیلش این است که عهد عتیق، کلام خدا درباره‌ی پسرِ خدا

است. این بخشی از کتاب مقدس مسیحی است که شما را به سوی عیسی رهنمون می‌کند؛ به شما می‌آموزد که به او اعتماد کنید و او را گنجینه‌ی خود بدانید، در او و با او دگرگون شوید و مژده‌ی او را به گوش ملت‌ها برسانید. تمامیت کتاب مقدس برای زندگی شما در مسیح، ارزشمند و حیاتی است.

زیرا گمراهی خطرناک است

چنانچه از درک این حقیقت بازمانیم که عهد عتیق چگونه بر عیسی دلالت می‌کند، سرانجام به ورطه‌ی خطا سقوط خواهیم کرد. اگر عهد عتیق را در پرتو انجیل مطالعه نکنیم، تمایل خواهیم داشت که روایت‌های آن را صرفاً به درس‌های اخلاقی و رفتاری تقلیل دهیم، از «سایه‌ها» و اشارات نمادین غافل شویم، شریعت و کتب حکمت را تنها برای یافتن چند اصل کاربردی زندگی زیر و رو کنیم و اجازه دهیم مضامین حیاتی کلام، به جای آنکه در مسیر انجیل هدایت شوند، در بیراهه‌ها سرگردان بمانند.

پیامدهای چنین رویکردی مخاطره‌آمیز است. در این حالت، عهد عتیق تا حدی چون نظام اخلاقی فاقد مسیح، یا کتابی جادویی حاوی کلمات افسون برای سلامت و ثروت، و یا حتی دستورالعمل مدنی برای مذهب حکومتی تنزل می‌یابد. از همه بدتر اینکه وقتی مسیح در تفسیر ما حضور نداشته باشد، می‌کوشیم بدون تنها کسی که می‌تواند ما را به حضور خدا ببرد،

با او ارتباط برقرار کنیم؛ و این تلاشی بیهوده است! «زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است» (اول تیموتائوس ۲: ۵). حقیقت این است که بدون مسیح، هیچ الگویی در عهد عتیق نیست که بتوانید از آن پیروی کنید، هیچ حکمی نیست که بتوانید اطاعت نمایید، هیچ هشدار نیست که به گوش گیرید، هیچ توبه‌ای نیست که تقدیم کنید و هیچ پرستشی نیست که نثارِ خدا نمایید.

این خطا ممکن است خطرناک باشد، اما راه‌حل آن ساده است: هنگامی که عهدِ قدیم را می‌خوانید، چشمانِ خود را بر عیسی مسیح بدوزید! از خود بپرسید که این بخش چگونه به او اشاره می‌کند؛ از خود بپرسید که زندگی، مرگ، و قیامِ او چگونه بر این بخش نور می‌افکند. آنگاه هم حقیقتِ آن بخش را روشن‌تر خواهید دید و هم خواهید فهمید که چگونه بر زندگی شما کاربرد دارد.

زیرا سلامتِ کلیسا امری مهم است

بدیهی است که می‌خواهید عضوی از یک کلیسای سالم باشید. اما چه عاملی می‌تواند ضامن سلامت کلیسا باشد؟ در میان تمام پاسخ‌های مفیدی که می‌توان به این پرسش داد، حیاتی‌ترین پاسخ «عیسی» است؛ اما نه عیسایی که در حاشیه باشد، نه عیسایی فرعی و نه عیسایی برساخته و غیر کتاب مقدسی، بلکه

همان عیسایی که در کلام خدا مکشوف شده و در مرکزیت همه امور ایستاده است. عیسی که در کانون توجه قرار دارد! کلیسایی را به من نشان دهید که عیسی مسیح خداوند محور موعظه و مشارکت آن باشد؛ جایی که انجیل از جای جای کتاب مقدس اعلام، تجلیل و به کار بسته شود و ایمانداران در پی محبت به پادشاهی مسیح و در آن زندگی کند، و من به شما کلیسایی سالم را نشان خواهم داد. یا دست کم، کلیسایی را به شما نشان می‌دهم که در مسیر رشد و به سوی تندرستی در حرکت است. غیر از این نمی‌تواند باشد؛ چرا که وقتی «سر» کلیسا تکریم شود، «بدن» نیز شکوفا خواهد گشت (افسیان ۱: ۲۲ - ۲۳).

برخی از کلیساها به جای عیسی، امور دیگری را در کانون توجه قرار می‌دهند؛ مواردی نظیر پرستش شورانگیز، رویدادهای هیجان‌انگیز، ساختمان و محوطه‌ای مجلل، و یا خدمات اجتماعی. اما هر چیزی به غیر از عیسی که در مرکزیت توجه قرار گیرد، سلامت کلیسا را تضعیف می‌کند. اولویت رسولان باید سرلوحه و مشی عملی هر کلیسای محلی باشد:

«ما او را وعظ می‌کنیم، و هر کس را هشدار می‌دهیم و با کمال حکمت می‌آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم.» (کولسیان ۱: ۲۸)

مسیح هم راه و هم غایت بلوغ ماست. تنها در اوست که به همان انسانی بدل می‌شویم که خدا مقدر کرده بود تا باشیم. پس کلیسایی را بیابید که نه مسیح را در عهد عتیق نادیده بگیرد و نه

کلِ عهدِ عتیق را به فراموشی بسپارد. کلیسایی که نورافکنِ خود را همواره بر مسیح، آن‌گونه که در تمامیتِ کتابِ مقدس دیده می‌شود، متمرکز نگه می‌دارد، به احتمال بسیار کلیسایی سالم خواهد بود.

زیرا ما به تمامیتِ وجودِ مسیح نیازمندیم

زمانی که دخترم خردسال بود، به شوخی تصویری از یعقوبِ کتابِ مقدس را نقاشی کرد. یعقوب در آن تصویر نه سر داشت، نه قفسه سینه و نه دست؛ فقط پا داشت. به او گفته بودم که کتابِ یعقوب را «برادرِ ناتنی» (نیمه‌برادر) عیسی نوشته است و او هم یک «برادرِ ناتنی» ترسیم کرده بود! بگذارید این نقاشیِ خنده‌دار حکایتی باشد برای درکِ اهمیتِ حیاتیِ عهدِ عتیق. اگر تمامِ شناختِ شما محدود به عهدِ جدید باشد، تنها نیمی از عیسی را می‌بینید. شما فقط از طریقِ تمامیتِ کتابِ مقدس است که می‌توانید با تمامیتِ وجودِ عیسی آشنا شوید. پس در مسیرِ پیروی از مسیح، عهدِ عتیق را نادیده نگیرید، کوچک شمارید و آن را رد نکنید؛ بلکه به عهدِ عتیق به عنوانِ کلامِ خدا عشق بورزید، چرا که شما را به سوی مسیح با تمامِ کمالِ پُرشکوهش رهنمون می‌سازد.

منابع پیشنهادی

آیا عیسی در عهد عتیق حضور دارد؟

- *Is Jesus in the Old Testament?*, Iain M. Duguid, *Basics of the Faith* (Phillipsburg, NJ: P&R, 2013).

الهیات کتاب مقدسی: کلیسا چگونه انجیل را با وفاداری تعلیم می‌دهد؟

- *Biblical Theology: How the Church Faithfully Teaches the Gospel*, Nick Roark and Robert Cline (Wheaton, IL: Crossway, 2018).

مسیح از ابتدا تا انتها: چگونه روایت جامع کلام، داستان کامل مسیح را آشکار می‌سازد

- *Christ from Beginning to End: How the Full Story of Scripture Reveals the Full Story of Christ*, Trent Hunter and Stephen Wellum (Grand Rapids, MI: Zondervan, 2018).

عیسی در هر صفحه: ۱۰ روش ساده برای جستجو و یافتن مسیح در عهد عتیق

- *Jesus on Every Page: 10 Simple Ways to Seek and Find Christ in the Old Testament*, David Murray (Nashville: Thomas Nelson, 2013).

یادداشت‌ها

پادشاهی خدا در گذر پیمان‌های پروردگار: الهیات کتاب مقدسی
مختصر؛

1. *God's Kingdom through God's Covenants: A Concise Biblical Theology*, Peter J. Gentry and Stephen J. Wellum (Wheaton, IL: Crossway, 2015).

فهرست آیات کتاب مقدس

متی	پیدایش
۲۹..... ۱:۱	۳۳..... ۲ - ۱
۲۹..... ۱۵ - ۱۴:۲	۲۶..... ۱۵:۳
۴۱..... ۴:۴	۲۶..... ۷-۸:۱۷
۳۱..... ۱۷:۵	۳۱..... ۲:۴۲
۱۸..... ۱۹ - ۱۷:۵	۲۶..... ۱۰:۴۹
۱۵..... ۲۹:۷	
۳۰..... ۳۹:۱۲	تثنیه
۲۹..... ۴۱ - ۴۰:۱۲	۴۱..... ۳:۸
	۲۶..... ۱۵:۱۸
مرقس	اول سموئیل
۱۵..... ۳۴:۱۵	۳۱..... ۱۳:۲۵
لوقا	دوم سموئیل
۱۵..... ۴۶:۲	۲۶..... ۱۳ - ۱۲:۷
۱۵..... ۱۶:۴	
۲۹..... ۳۱:۱۱	مزامیر
۳۴..... ۵۱:۱۱	۲۶..... ۱۰:۱۶
۱۶..... ۴۷ - ۴۴:۲۴	۳۸..... ۱۲ - ۱۰:۱۰۳
۲۲..... ۴۵:۲۴	۲۶..... ۴ - ۲:۱۱۰
یوحنا	اشعیا
۳۰..... ۱۴:۱	۲۶..... ۱۱ - ۳:۵۳
۳۰..... ۲۹:۱	دانیال
۱۵..... ۳۸:۱	۲۶..... ۱۴ - ۱۳:۷

کوئسیان	۲۸..... ۲۱ - ۱۹ : ۲
۲۹..... ۱۹ : ۱	۱۹..... ۴۰ - ۳۷ : ۵
۴۴..... ۲۸ : ۱	۱۵..... ۳۵ : ۱۰
۲۹..... ۱۱ : ۲	
۲۹..... ۱۶ : ۲	اعمال رسولان
۲۹..... ۱۷ : ۲	۲۹..... ۲۲ : ۳
اول تیموتائوس	
۳۴..... ۱۵ : ۱	رومیان
۴۳..... ۵ : ۲	۲۸..... ۲۱ - ۱۲ : ۵
	۲۸..... ۱۴ : ۵
دوم تیموتائوس	
۲۲..... ۱۵ : ۳	اول قرنطیان
۴۱..... ۱۵ : ۳	۳۲..... ۳۰ : ۱
عبرانیان	
۲۹..... ۳ - ۱ : ۷	دوم قرنطیان
۲۹..... ۲۵ - ۱ : ۷	۲۸..... ۲۰ : ۱
۲۹..... ۱۰ - ۱ : ۱۰	
اول یوحنا	اَفِسیان
۴۰..... ۵ : ۱	۴۴..... ۲۳ - ۲۲ : ۱

آیا کلیسای شما سالم است؟

موسسه 9Marks ماموریت دارد رهبران کلیسا را با یک بینش کتاب مقدسی و ابزارهای کاربردی مجهز سازد تا از طریق کلیسا های سالم، جلال خدا را در میان ملت ها منعکس نماید. به همین منظور، ما می خواهیم به کلیسا ها کمک کنیم تا در نه نشانه کلیسای که اغلب نادیده گرفته می شوند، رشد کنند:

۱. موعظه تفسیری

۲. علم کلام کتاب مقدس

۳. درک کتاب مقدسی از مژده انجیل

۴. درک کتاب مقدسی از ایمان آوردن به مسیح

۵. درک کتاب مقدسی از بشارت

۶. درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا

۷. تنبیه کلیسای کتاب مقدسی

۸. توجه به ارتقای شاگردی و رشد مسیحی

۹. رهبری کلیسا بر اساس کتاب مقدس

در 9Marks ، ما با انتشار مقالات، تألیف و نقد کتاب ها، و ارائه

فصلنامه آنلاین، کلیسا ها را در مسیر رشد تجهیز می کنیم. افزون بر

این، با برگزاری کنفرانس ها، ضبط مصاحبه ها، و تولید منابع

گوناگون، به رهبران کلیسا ها کمک می کنیم تا جلال خدا را به

برای مطالعه محتویات ما در بیش از ۴۰ زبان و دریافت فصلنامه درستی منعکس سازند.

آنلاین به صورت رایگان، به وب سایت ما سر بزنید. هم چنین

فهرست کامل وب سایت های ما به زبان های دیگر را در اینجا

ببینید: 9marks.org/international



IX 9Marks سوالات کلیسا

ارائه تعالیم کتاب مقدسی، دقیق و قابل فهم برای عموم مسیحیان از طریق پاسخ به پرسش های رایج در باره زندگی کلیسایی.

برای معلومات بیشتر به crossway.org مراجعه کنید

آیا ممکن است عیسی مسیح را در سی‌ونه کتابِ نخستِ کتاب مقدس یافت، در حالی که نام او هرگز به صراحت ذکر نشده است؟ در این رساله، دیوید ام. کینگ خوانندگان پرسشگر را در مسیری هدایت می‌کند تا نجات دهنده را در سراسر کتب مقدس کشف کنند. او با آغاز از درک خود عیسی مسیح دربارهٔ این که عهد قدیم چگونه به او اشاره می‌کند، شش شیوه را توضیح می‌دهد که این کتاب‌ها از طریق آن‌ها عیسی مسیح را اعلام می‌کنند و روشن می‌سازد که چرا این موضوع برای ایمانداران و کلیسای امروز اهمیت دارد.

«سولات کلیسا» مجموعه‌ای است که با هدف ارائهٔ تعالیم کتاب مقدسی مستند و قابل فهم، به سولات رایج مسیحیان در بارهٔ زندگی کلیسایی پاسخ می‌دهد. هر جلد از این مجموعه، علاوه بر ارائهٔ پاسخ‌های کتاب مقدسی، راهکارهای عملی نیز مطرح می‌کند تا استحکام فرهنگ کلیسای سالم و تهدید پایدار به کلیسا کمک کند.

دیوید ام. کینگ (مدرک دکترا، از Southern Baptist Theological Seminary) دارد و بیش از بیست سال است که به عنوان شبان ارشد کلیسای بپتیستِ کنکورد در شهر چاتانوگا، ایالت تنسی خدمت کرده است. او نویسندهٔ کتاب Your Old Testament Sermon Needs to Get Saved می‌باشد. دیوید و همسرش، ناتالی، دارای سه فرزند هستند.